

## دین در پرتویاری

سام کاکهیی<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۱۲

## چکیده

عدم آگاهی، شناخت، دسترسی، فهم و درک کلام‌های یاری برای عوام، بخصوص غیریارسانی موجب شده تا برداشت‌های اشتباه و حتی خارج از تفکر و ایدئولوژی یاری مطرح شود. موضوع دین، یکی از برداشت‌ها و موضوعاتی است که همواره مطرح می‌گردد، اما در اغلب موارد اشتباه بیان می‌شود. هدف از مقاله حاضر، ارائه‌ی باورها و اعتقادات یاری نیست، و تنها به بررسی موضع دین در یاری می‌پردازد. لذا ترجمه و تفسیر مبانی، مورد نظر نبوده؛ بلکه سعی شده تا به ساده‌ترین شیوه ممکن یعنی مطابقت با کلیدواژه - که قابل فهم برای همگان است - موضوع را بیان نماید. بنابراین این تحقیق، «دین» را به عنوان شاخص مرکزی و پراکنندگی مورد بررسی قرار داده است. علیرغم مطرح نشدن اصول و مبانی یاری و شرح و تفسیر ایدئولوژی حاکم، مستفاد از کلام‌های یاری (کردی و ترکی) به وضوح مشخص شده است که یاری، یک دین مستقل و اشراقی است که به عنوان یک حقیقت جاری و ساری در تمام ادوار حاکم بوده است.

**واژگان کلیدی:** دین، یاری، دین یاری، یارسان، اهل حق، کاکهیی، کلام.

## Religion in the light of Yari

Saam Kakaei<sup>2</sup>

Recive data: 2020/03/02

Accpte data: 2020/06/19

**Abstract:**

The lack of awareness, recognition, access, understanding, and communication with the "Yari's Kalams" for the common people, especially the non-Yaresan, has led to misunderstandings outside the thinking and ideology of Yari. The subject of religion is one of the perceptions and issues that are always raised, but in most cases it is mistaken. The purpose of this article is not to present the beliefs of Yari and only to study the position of religion in Yari. Therefore, the translation and interpretation of the foundations is not intended, but it has tried to express the subject in the simplest possible way (ie, the match and the keyword, which is understandable to everyone). Therefore, this research has examined «Religion» as a central index and dispersion index. Despite the lack of presentation of the principles of Yari in this article, According to the Yari's Kalams (Kurdish and Turkish) is clearly characterized by the fact that Yari is an independent and illuminated religion that has dominated the current truth in all periods.

**Keyword:** Religion, Yari, Yari Religion, Yaresan, Ahle haq, Kakaei, Kalam.

## ۱- مقدمه

از دیر باز، ارزشی از فکر و تلقی ضمنی یا صریح مفروضاتی درباره‌ی خاستگاه جهان طبیعت و هدف زندگی بشریت، خطامشی ساز اعمال و رفتار آدمی بوده است. تفاوت در جهان بینی سبب ساز ارزش های متفاوتی گردیده است که هر یک الگویی از روابط و کنش ها را مطرح می کند. ریشه‌ی تمام این مسایل حقیقت آدمی است. بنابراین، از گذشته تا آینده همواره در جستجویی یک موضوع جهت تقرب و توکل یا فرار از موضوعی برای آزادی و رهایی می باشد. این تمایل هر بار موضوعی را هدف خود قرار می دهد؛ گاهی مادی و عینی، گاهی غیرمادی و ماهوی، گاهی غیرمستقیم و با واسطه، گاهی مستقیم و بی واسطه. با این وجود، طی نمودن مسیری تکاملی در جهت ایدئولوژی حاکم برای رسیدن به هدف مورد نظر، مشخصه‌ی بارز تمامی این ارزش هاست که به اصطلاح «دین» نامیده می شود؛ موضوعی که مکرراً مورد مناقشه بوده است؛ چراکه دین، با حدودی نامشخص، و رای یک پدیده‌ی تاریخی و اجتماعی، یک مسأله‌ی مهم شخصی است و حاکی از نقص آگاهی یا درک کاستی ها و نقص های روحی و روانی انسان یا بالعکس، در جهت رفع این موارد، می باشد. در این میان، میزان آگاهی و درک، جهان بینی و هدف، تطابق با حقیقت، ارتباطات، جامعیت و نقش اجتماعی، به عنوان مهم ترین مبانی افتراقی ادیان، همواره مورد بررسی و مذاقه قرار گرفته است. به دلیل جامعیت و اهمیت موضوع این بررسی ها برای رسیدن به حقیقت، همواره با محدودیت هایی همراه بوده اند که گاه موجب دشواری و گاه عدم دستیابی به حقیقت موضوع را رقم زده اند. در این مسیر، حقیقت «یاری» برای اکثر محققین به دلایل مختلفی همچون عدم آگاهی، شناخت، دسترسی، درک و فهم کلام های یاری و گاهاً عدم بی طرفی و صداقت در کنار سایر محدودیت های تحقیق، ناشناخته باقی مانده است.

## ۲- مبانی نظری

## ۱-۲- دین چیست؟

دین، برداشتی از واژه انگلیسی (Religion) از ریشه یونانی (Religare) به معنی محکم بستن<sup>۱</sup>، پیوست و یا به یکدیگر پیوستن و ربط دادن و بر گرفته از واژه لاتین (Reilgo) به معنی ایمان نیک، شعایر و معانی مانند آن است. معادل آن در اوستا بیشتر به معنای نگاه کردن و نگرستن با وجدان و ضمیر پاک، در تورات بیشتر به معنای قضاوت، داوری و جزاء در زندگی، در قرآن بیشتر به معنی آیین، آداب، مذهب، شریعت، اطاعت و قوانین، و در کلام های یاری بیشتر به معنی راه و روش دستیابی به حق و حقیقت<sup>۲</sup> آورده شده است. دین، برجسته ترین ویژگی اعصار از گذشته تا آینده می باشد؛ که در خرد و سرشت آدمی مفهوم می یابد. نیازهای ذاتی، طبیعی، روانی، اجتماعی، اسطوره ای و تاریخی سبب گرایش انسان به دین شده است؛ چنانکه گذر زمان و بستر پارامترهای گوناگون محیطی و پیوند ذاتی دین با روح و روان انسان و تنوع و تکثر روحی به واسطه‌ی فطرت آدمی، سبب ساز پیدایش باورهای دینی گوناگون شده است<sup>۳</sup>. دیگر بدیهی است که مسبب اکثر اختلافات و نزاع های مربوطه، رهبران و پیروان مذاهب هستند<sup>۴</sup>؛ چراکه ادیان در راستای هم و در تبیین فهم و ظرف وجودی عصر آمده اند.<sup>۵</sup> علی ای حال، نقد و بررسی ادیان یا اعتقادات فی نفسه بد نیست و مشکلی نخواهد داشت، اتفاقاً تحقیق و بررسی در باب دین بسیار نکو و از اسباب است<sup>۶</sup>. اما هر کسی که می خواهد اعتقاد یا دینی را نقد یا بررسی کند، باید دست

۱- فرهنگ لغت فلسفه دین.

۲- فارغ کرمانشاهی میفرماید: «رای حقیقت بو دین دیاری»، یعنی دین، راه و مسیر حقیقت را مشخص و نشان می دهد.

۳- پیر جعفر کردستانی میفرماید: «نائبین حقیقت بکه رو وه دین» یعنی آیین و راه و رسم حقیقت را به دین تبدیل می کند.

۴- همانگونه که کلام های یاری ذات، اسطور، نماد و دونادون را به عنوان مؤلفه یا شاخه اصلی حقیقت هستی معرفی می کند.

۵- به عنوان نمونه، شیخ امیر دلیل این اختلافات و نزاع ها را اینگونه تشریح می کنند: «که سانی نه فکر نه رکان دینه ن / که سانی نه فکر کوی کفر و کینه ن» یعنی برخی به دنبال ارکان و راه و روش صحیح دین و ایمان هستند و برخی در مقابل آن ها به دنبال شرک، کفر، کینه و بدعت نهان در دین هستند.

۶- روحناتف میفرماید: «جهنگ داوهران بونی پیری دین / رهنک یاوهران پاکشان بو نگیں» یعنی بخاطر دین آنها که قضاوت و داوری و رهبری می کنند، به جنگ و نزاع می پردازند اما یاران حقیقی رنگ خداوند را به خود می گیرند و ارزش و نگیں آنها پاک و بی آلایش و به دور از این هیاهوهاست.

۶- سولتان میفرماید: «نهز دین نیانم رای قه سد تاقیق» یعنی من دین را برای تحقیق کردن بنا نهادم.

کم مشخص کند که تعریف او از دین چیست و مصداقی بگوید که از کدام دین سخن می‌گوید؛ چراکه اولین گام در شناخت هر پدیده، چستی و چگونگی آن است؛ گرچه تعریف دین دشوار است.

دشواری و وجود موانع در ارائه یک تعریف جامع، نوید تعاریف متفاوت از دین است. این موضوع ناشی از نوع نگرش آدمی نسبت به این مقوله می‌باشد. با این حال، تعریف دین باید (۱) وسیع و خاص، (۲) همه‌گیر و همه‌جانبه، (۳) مشتمل و متناسب، (۴) منصف و صادق باشد؛<sup>۱</sup> تا بتواند تمامی عالم و آدم و روابط آن‌ها و ابعاد معرفتی، عاطفی، اخلاقی و عملی را شامل گردد.<sup>۲</sup>

## ۲-۲- تعریف دین

در ادامه نگاهی به مطرح‌ترین تعاریف دین از نگاه اندیشمندان بزرگ جهان، خواهیم داشت؛ همچنین در ذیل تعاریف مطروحه، به یک یا چند نمونه‌ای از مصادیق هر تعریف در کلام‌های یاری که مشخصاً مشتمل بر کلید واژه‌ی «دین» و به نوعی در بُعدی از معنی، مفهوم، تبیین، تأویل یا تفسیر، بیانگر تعریف مذکور است، اشاره می‌کنیم:<sup>۳</sup>

۱- تی‌یل<sup>۴</sup>: وضعیتی روحی یا حالتی ناب و حرمت آمیز است که آن را خشیت می‌خوانیم. (پترسون و همکاران، ۱۳۹۰؛ کانت، ۱۳۸۸)

←	چه‌یدره مهره‌مو:	نسای مه‌ست دین	وه ناز خوشین بگیریه یه‌قین.
←	پیر نگیں پیروزی مهره‌مو:	شاد بیمان وهی دین جه‌م بی نالوس	نالوزش نه‌وی په‌ی یار دین دوس.
←	خان نه‌لماس مهره‌مو:	نوهسه‌د نوهسه‌ده سپای شاخوه‌شین	مه‌قامات وانان په‌ری زه‌وق دین.
←	حسن بیورور:	ارنلر سجده سی یارون جمالی	حقیقت دیننه آشنا اولانلر.

۲- اتو رنک<sup>۵</sup>: خشیت در مقابل موجود متعالی است. (Edward, 1967؛ کانت، ۱۳۸۸)

←	روحتاف مهره‌مو:	یا ئوستاد دین شای بی مه‌سه‌ل.
←	شیخ نه‌حمه‌د مهره‌مو:	سولتان نه‌یوه‌للا
←	شاهرزا کردی مهره‌مو:	جام جه‌مال دین په‌ی شا دینه‌وه.
←	شاهرزا کردی مهره‌مو:	سه‌در یه‌عنی سولتان دانای موعه‌زه‌م
		دین یه‌عنی دیوان خانه‌دان جه‌م.

۱- نوروز سورانی میفرماید: «تمام مه‌خلوقات سه‌ر وه‌ر مه‌داران / نه‌یوه‌للا وه‌ دین وی‌شان مه‌سپاران» یعنی تمام مخلوقات دین خود را برتر دانسته و روح‌تاف میفرماید: «دینت به‌یان بو نه‌ رووی گردین عام / یار گبرو راکه‌ت په‌ی ناخر نه‌نجام» یعنی دین تو برای همه بیان می‌شود و یاران راه و دین تو تا آخر و رسیدن به سرانجام پی می‌گیرند.

محمدقاسم میفرماید: «هفتاد و دوو دین حقه سرش‌ت که‌رده‌ن / هه‌ر میله‌ت‌ی رای پیتشان سپه‌رده‌ن / نه‌و رووی که‌ به‌نای کارخانه نیا / ئی میله‌ته وه‌ست نه‌ عالمه‌ نه‌و لا» یعنی هفتاد و دو دین را حق آفرید و هر برای هرکدام راهی مشخص کرد؛ آن زمان که بنیاد این کارخانه [یاری] را نهاد، ملت و پیروان آن را از بقیه عالم جدا کرد.

غولام چنابووری میفرماید: «چه‌هار قورنه‌ی جیهان سه‌قام دینهن» یعنی چهار گوشه‌ی [تمام] جهان ناشی از وجود دین است. یار نه‌حمه‌د میفرماید: «دینی من دینی ئیسحاقه مه‌سکه‌نی پردیوه‌ر» یعنی دین من دین سلطان اسحاق برزجه‌ایست که در پردیور مسکن گزیده است.

عاستا میفرماید: «کامله‌و دینمان پیره و ره‌نگینا» یعنی دین ما کامل، فراگیر، قدیمی، زیبا و رنگانگ است.

روحتاف میفرماید: «وه‌ دینتان به‌رشی چه‌ی کوی نزا‌که‌ت» یعنی دین شما [یاری] سراسر از نزا‌کت، انصاف و مروت است.

پیر خالق اردبیلی میفرماید: «دین یاری راسه‌ن بی‌شه‌ک و گومان» بدون هیچ شک و تردیدی دین یاری وجود دارد و صحیح و درست است.

پیربنیامین میفرماید: «رای حقه‌ راسیه‌ن» یعنی راه و دین حق و حقیقت صحیح و واقعی و صادق است.

۲- تبلور این موضوع در چهار مؤلفه‌ی یاری یعنی راستی، پاکی، نیستی و ردا نمایان است که گستره‌ای برای آن نمی‌توان برشمرد.

۳- البته برای هر یک از تعاریف می‌توان چند ده مورد کلام یافت. اما به جهت فهم و درک آسان‌تر و بهتر، کلید واژه‌ی «دین» ملاک عمل قرار گرفته است.

4- C.P. Tiele

5- Otto Rank

۳- برادلی<sup>۱</sup>: کوششی است برای اینکه حقیقت کامل خیر را در تمام وجود هستی‌مان باز نماییم. (پترسون و همکاران، ۱۳۹۰؛ کانت، ۱۳۸۸)

- ← غلام چغابووری مهره‌مو: چهار قورنهی جیهان سه‌قام دینه‌ن.
- ← موحه‌ممه‌د قاسم مهره‌مو: موعجزات بيشو<sup>۲</sup> دارای دین په‌نا
- ← شاخوشین مهره‌مو: راگهی ته‌ریقم دین چوی وهرین
- ← شیخ قودره‌ت مهره‌مو: جه‌لات دان وه دین میردان نسرته.

۴- جیمز مارتینو<sup>۲</sup>: اعتقاد به خدای همیشه زنده است. (همان)

- ← کاک فه‌تاج مهره‌مو: سولتان خوی دین سری پوش سه‌تار.
- ← پیر مونس به‌یرووتی مهره‌مو: شام سولتان سه‌حاک ئی دینه‌نایی.
- ← سه‌ید رزا مهره‌مو: حه‌یات و مه‌مات هفتادو دو دین.
- ← موحه‌ممه‌د قاسم مهره‌مو: یا سه‌ه‌لار دین شای عالم په‌نا
- ← پیر جه‌عفر مهره‌مو: دایم په‌ی سولتان من چه‌مه‌راشم
- ← یار نه‌حمده مهره‌مو: دینی من دینی ئیسحاقه مه‌سکه‌نی پردیوه‌ر.

۵- آر ان بلاه: مجموعه‌ای از اشکال و اعمالی نمادین است که انسان را به حالات غایی وجودش پیوند می‌دهد. (Bellah, 1969)

- ← خه‌لیفه شهابه‌دین مهره‌مو: نیاشان چه‌خوان نه‌جه‌م پاک دین
- ← بنیامین مهره‌مو: سویل<sup>۳</sup> مورشان په‌ی دین نیشانا.
- ← پیرمه‌حموود به‌غدادی مهره‌مو: ها دین وه کلام مه‌بو<sup>۳</sup> ده‌سگیری.
- ← یار نه‌حمده مهره‌مو: کاکه‌ییم له‌سه‌ر دین نه‌هلی که‌ماله.

۶- فرهنگ کوچک آکسفورد: شناخت یک موجود فوق بشری که دارای قدرت مطلق است و...

- ← حاجی باوه‌یسی مهره‌مو: صاحب کار دین پادشای مه‌وجود.
- ← عابه‌دین مهره‌مو: شای دین ئیسحاق ره‌نگین ئیسحاق.
- ← خان نه‌لماس مهره‌مو: چراغش ژه‌نوور سولتان دین بی.
- ← موحه‌ممه‌د قاسم مهره‌مو: یا تایی بی<sup>۳</sup> همتا یا سولتان دین
- ← موحه‌ممه‌د قاسم مهره‌مو: ئیشام چه‌نه‌وساف شه‌ه‌نشای دینه‌ن
- ← یا زات بی<sup>۳</sup> عه‌یب ره‌ب نه‌لعاله‌مین.
- ← زات بی<sup>۳</sup> زه‌وال بینای بی<sup>۳</sup> چوینه‌ن.

۷- ویلیام جیمز<sup>۳</sup>: احساسات، اعمال و تجربیات افراد هنگام تنهایی، آنگاه که خود را در برابر هر آنچه الهی می‌نامند، می‌یابند. (هیگ، ۱۳۹۰؛ جیمز، ۱۳۶۷؛ کانت ۱۳۸۸)

1- F. H. Bradley

2- James Martineau

3- William James

- ← شیخ ٔمام مهره مو: شاد بوان وه ره مز دین حهق سیففات.
- ← شیخ موسی مهره مو: تا بکه رمی زکر دین شام.
- ← سه ید نه یاز مهره مو: ریازت سه شهب شد و روزه روز سی خاوندکاری دین حهق فوروز.
- ← قوشچی اوغلی بیورور: اللهی یاری سن یارون آیورما یاری دین وایماندان آیورما.
- ۸- هرالد هافدینگ<sup>۱</sup>: حقیقت نگهداشت از ارزش هاست. (آذربایجانی، ۱۳۸۷)
- ← پیر سه فهر قه لآچه ئی مهره مو: پهی دین سپهر دمان سهر ئه و سوهانچه.
- ← پیر یاسین مهره مو: بتونه ن یارت چهی خوانو دین.
- ← شیخ بالانتهران مهره مو: پهی دین خاران نه لا وه رانه تا ناخر بیات پا وه ره و یانه.
- ← سولتان مهره مو: ههر کهس چه وه ر زهر د دینش نه و خاما مه زانو ماچو سولتان خواما.
- ← فارغ کرمانشاهی مهره مو: په رده ی چه م درپا وه موهر یاری ئاوه ردیم وه سهر دین دیاری.
- ۹- تالکوت پارسونز<sup>۲</sup>: مجموعه ی باورها، اعمال، شعائر و نهادهایی که افراد بشر در جوامع مختلف بنا کرده اند. (هیگ، ۱۳۹۰؛ کانت، ۱۳۸۸)
- ← کاکه سه لمان بانهی مهره مو: دوو جامت نییان پهی رو شنی دین.
- ← بابا ناوس مهره مو: تا ده ری پیتان مایه و موبه تی چهی سه رجه م بیردی دین وه شدده تی.
- ← باوه شه مس مهره مو: دامانه و دینت میریم وه قائیم.
- ← باوه شه مس مهره مو: پهری غولامان دین بنیر ده سگا ره واج که ره جه م پهی یاره و دلخا.
- ← باوه شه مس مهره مو: شیشه ت سدق و دین ٔمان مینای حال بارمان کریان شیشه و ئاته ش قال.
- ۱۰- اس رایناخ<sup>۳</sup>: مجموعه ای از اوامر و نواهی که مانع عملکرد آزاد استعدادهای است. (همان)
- ← نه حمه د مهره مو: گو مپرا و بی ٔقرار چه دین بو خالی.
- ← پیر فه تالی سه هنه یی مهره مو: وه کلام، قاپی دین، بژنه نان کلیت.
- ← شیخ نه میر مهره مو: که ج نه بو نه دین ته مه نای دل بهر.
- ← قوشچی اوغلی بیورور: دنیاده توتار اولسام یار مذهیدور توتیمشیم زیان اولسه قوی اولسون سود اولور ایمانیمه.
- ۱۱- هربرت اسپنسر<sup>۴</sup>: اعتراف به این حقیقت که کلیه ی موجودات تجلیات نیروی فراتر از دانش ماست. (همان)
- ← که شکول مهره مو: ئازیز دیده و دین چه نه زهر نییا.
- ← حوسین سیاکوهی بیورور: دین دنیا سر حق غبار سندن بیلمشوز.

1- Herald Hoffding  
2- Talcott Parsons  
3- S. Reinach  
4- Herbert Spencer

- ← نوروز سورانی مهره مو: تهمام مه خلوقات سهر وهر مه داران  
 ← میر خسرو می فرمایتند: هفتاد و دو دین را تحقیق نمودم  
 ← نه یوه للاً وه دین ویشان مه سپاران.  
 ← سلطان سه هاك این خالق موجودم.

۱۲- ماکس مولر<sup>۱</sup>: کوششی برای درک آنچه درک نشدنی و بیان آنچه غیرقابل تقریر است. (مشکور، ۱۳۷۲)

- ← شیخ نه میر مهره مو: پوخته دین حق رای بنیامین بو.  
 ← بنیامین مهره مو: بارگهی ناسمانی وه ستهن نهو زه مین  
 ← سولتان مهره مو: پهی دین بسازیم ناوای وه ناوا  
 ← سه ید رزا مهره مو: زنور ره نگینه زنور نگینه  
 ← فرمان مهولامهن گهواهی وه دین.  
 ← دینه وه حقیقهت چهی وهره و ماوا.  
 ← زنور هم دینه زنور نایینه.

۱۳- دیوید کارپنتر<sup>۲</sup>: جریانیه که انسان می کوشد تا به وسیله آن در جهان آشفته معنایی بیابد. (Carpenter, 1995)

- ← مهلا روکنه دین مهره مو: شاد مهوی وه دین خودای سهر نه نجام.  
 ← نیمام به یامه یی مهره مو: حهوالهی یاری جهلا دا وه دین.  
 ← نوروز سورانی مهره مو: تیغ ناسمان زاغ زه مینم  
 ← موحه ممد قاسم مهره مو: نازاری جه مال دین و دونیام دیم  
 ← جه وهر میردان شادهدت دینم.  
 ← دل مهست مه غروور نه خاو بیدار بیم.

۱۴- جورج هگل<sup>۳</sup>: دانشی که ذهنی محدود درباره ذات خود به عنوان ذهن مطلق به دست آورده است. (Mencken, 1946)

- ← سولتان مهره مو: ده ستگا و حقیقهت دینمان بنوازمی  
 ← پیر زواره مهره مو: گشت یاری دینی پادین سواره.  
 ← شیخ موسی مهره مو: دامه و شهر تو شون رای یاری سه نه م  
 ← موحه ممد قاسم مهره مو: شا سولتان سه هاك وه زات به شهر  
 ← ها یاران وه عشق ویمان بکازمی  
 ← خه لاتو دینی پهی پاک بورازمی.  
 ← پهی عشقو دیتان به رشیم چه یانه.  
 ← نمانا وه عهین دیدهی ناموهر  
 ← کهس نه زان سر پادشای پردیوهر.

۱۵- شلایر ماخر<sup>۴</sup>: احساس خدا آگاهی یا وابستگی به وجودی دیگر است. (آذربایجانی، ۱۳۸۷؛ کانت، ۱۳۸۸)

- ← کاکا جه لیل به رزه نه جئی مهره مو: پیره و پیشوا سولتان نه ورامان  
 ← تهیموور بانیارانی مهره مو: بتهی باتنی مور به ندراتم  
 ← روحتاف مهره مو: فیدای مه عشوقه ن روچ و ره وانم  
 ← پهی ره وواح دین نامای وه جیهان.  
 ← دل دورساخ دین مه حبوس زاتم.  
 ← ئینه مو چیش بو پهی دین کانم.

۱۶- ژان پل سارتر<sup>۵</sup>: طرح انسان برای خدا شدن است. (جعفری، ۱۳۷۸)

1- Max Muller  
 2- David Carpenter  
 3- George Hegel  
 4- Schleiermsher  
 5- Jean Poul Sartre

- ← به یگمراه گهواره یی مهره مو: شاهی که یم وه دین تازه نو حالی.
- ← لاجین عه باسوند مهره مو: یاران باخه بهر دینم خه لاتن.
- ← سه ید فهرزی مهره مو: ههر که س بکشو چه ور راگهی دین وه وینه ی فهرزی مو صاحب نگین.
- ← سه ید میر نه حمده مهره مو: خه لاته و دینش وهش ته داره ک بو ده لیل وه راشان یار هه زاره ک بو.

۱۷- فروید: رهایی از احساس وابستگی مطلق است. (هیگ، ۱۳۹۰)

- ← سه یده مهره مو: نادان نه مو وجز شای مو تله ق مه بو
- ← نیمام به یامه یی: دینش به کیوهن نه زهل بییهن دین.
- ← موحه مده قاسم مهره مو: چه دین و نائین یم بهریم کردهن عشق سه ها کهن سهر سهریم کردهن
- ← ههر چند مه نگه رم یه مین و یه سار ههر شا سه ها کن دانای بهر و بار.

۱۸- ماتيو آرنولد<sup>۱</sup>: همان اخلاق است که احساس و عاطفه به آن، تعالی، گرما و روشنی بخشیده است. (همان)

- ← شیخ نه میر مهره مو: گا دین حرس و نه فس نیان نه ژیر سه نگ گاهی حرس و نه فس دینشان کردهن له نگ.
- ← روحتاف مهره مو: وه دیتان بهرشی چه ی کو ی نزا که ت.
- ← روحتاف مهره مو: په ی دورو و اچان دین نمو فرو راستی و اچ تاجش ها چه کو ی سه رو.
- ← ماملوی بلوداری مهره مو: شاد بیمان وه ی جه م دین ته یاری.
- ← پیر که یده رون زیبای مهره مو: شاد بیمان وه یجه م رای شهر موحه یا
- ← مه لا رو کنه دین مهره مو: تا که به دانمان واره م بو چه ی زاد دین نییهن لایق سه سود و حساد.

۱۹- ایمانوئل کانت<sup>۲</sup>: شناخت تکالیف ما به عنوان احکام الهی است. (کانت، ۱۳۸۸)

- ← نه رگزه ده و یژی: شهرت سه که هی دینه وه قه ولی ئیمانیه
- ← یادگار مهره مو: ها ئیدن نه رکان دین وه دل به رم.
- ← پیر عه زیز هودانه یی مهره مو: وه عه شق رای دین سهرشان بسپاران.
- ← بابا حه یده مهره مو: ئیقرار دینم نه کرد ویرانه شهرتم بهر د وه سه نه ز پا نه رکانه.
- ← سوگلتان مهره مو: بیا و بهس دین که ردیم ئیز هاره.
- ← شیخ نه میر مهره مو: بی شهرتان چه دین وه فاشان نییهن.

۲۰- اسپيرو<sup>۳</sup>: نهادی است که به خاطر مفهوم موجودات فرانسائی، از ویژگی های متقابل تشکیل شده است. (همیلتون، ۱۳۷۷)

- ← شیخ نه میر مهره مو: ههر که س جو بیا بی په ی خه لات دین ئاخر مه پوشو تافته ی بنیامین.

1- Matthew Arnold

2- Immanuel Kant

3- Spiro

- ← پیرنه‌ری بالامویی مهره‌مو: پاکتاو غولآمان ههن وهی دینه‌وه.
- ← سولتان مهره‌مو: پیرموسی وه‌زیر وه قه‌لم زهرین داود ده‌لیله‌ن که‌وسوار دین.
- ← عابه‌دین مهره‌مو: کاکه‌یی مه‌ستی باده‌ی دین، نه‌غمه‌ی ته‌جنیس.
- ۲۱- برتراند راسل<sup>۱</sup>: هر نوع عقیده‌ی جزمی که از دانش‌های قطعی فراتر قدم بگذارد. (راسل، ۱۳۵۱)
- ← قه‌هار مهره‌مو: ها دین وه جلوه‌ی رای عشق سپه‌ردم.
- ← شیخ ناجی مهره‌مو: عزیز گیانان سولتان سر دین.
- ← چه‌زرت سه‌لیم مهره‌مو: حاصل سرهن توم رای یاری دانه‌ی حقه وه دین جهوزی بشماری.
- ← نوروز سورانی مهره‌مو: ها وهی دینه‌وه تلمسم دونیا ها وهی دینه‌وه
- ← وه هرده‌ی نرسرار نابدینه‌وه یارم بهر تاما نه ده‌روینه‌وه.
- ۲۲- اسکات<sup>۲</sup>: برگرفته از روابط انسان و خدا یا انسان‌شناسی است. (اسکات و هال، ۱۳۸۶)
- ← روختاف مهره‌مو: په‌ی یه‌قین داران شا به‌نگین مو پاکوی سادقان دین پا موعین مو.
- ← پیر چه‌سن مهره‌مو: نیسا چه‌ی دینه‌باش مه‌له‌کانم.
- ← بنیامین مهره‌مو: روشن که‌ر په‌ی یار شهرتو نیقراری تا میردان بزنان راگه‌ی دینداری.
- ← سه‌لما وتی: هه‌مو خزم و خویشم باوانم دینی کاکه‌یبه.
- ۲۳- بوزانکه<sup>۳</sup>: دین چیزی است که انسان از آن دست بر نمی‌دارد و حاضر است به‌خاطر آن جان سپارد. (Bosanquet, 1920)
- ← فه‌ریاد مهره‌مو: سه‌ر وهی جهوز دین شهرت دوکانمان.
- ← میر نیسکه‌نده‌ر مهره‌مو: دایم سه‌رم دام پاراگه و دینه.
- ← دوسته به‌یامه‌یی مهره‌مو: بپر و بکوش دین خار وه من.
- ← شیخ نه‌میر مهره‌مو: سه‌د ناسیاو سه‌نگ بگیلوش نه سه‌ر که‌ج نه‌بو نه دین ته‌مه‌نای دل‌به‌ر.
- ← قوشچی اوغلی بیورور: یارنلر دینینی ویرمز دیناره اگر اولسه جگری صد هزار پاره.
- ۲۴- کارل مارکس<sup>۴</sup>: حسرت مخلوق ستم‌دیده، قلب جهانی بی‌قلب و روح اوضاع و احوال فاقد روح است. دین افیون ملت‌هاست. (رایت میلز، ۱۳۷۹)
- ← یار نه‌حمده مهره‌مو: کارتان چیبه به‌کاری خه‌لقی خودا و دینی نیسحه‌ق
- ← شیخ نه‌میر مهره‌مو: که‌سانی نه‌فکر نه‌رکان دینهن که‌سانی نه‌فکر کو‌ی کفر و کینه‌ن.

1- Bertrand Arthur

2- Scott

3- Bosanquet

4- Karl Marx



- ← شاهرزا کردی مهره‌مو: زه‌رب به‌رزمل به‌ور زاده‌ی به‌وران  
 ← غولام چغا‌بووری مهره‌مو: زه‌رب زه‌به‌ر چنه‌نگ جه‌مات دینه‌ن  
 ← دیوید ادواردز<sup>۱</sup>: مجموعه پاسخ‌هایی که به مسأله رابطه‌ی خود با جهان می‌دهیم. (Edwards, 1969)  
 ← فارغ کرمانشاهی مهره‌مو: رای حقیقه‌ت بو دین داری.  
 ← به‌یگم‌راد گه‌هواره‌یی مهره‌مو: ها وه‌ی دینه‌وه  
 ← نوروز سورانی مهره‌مو: جام جه‌مشیدی جیهان بین من بیم  
 ← موحه‌ممه‌د قاسم مهره‌مو: هه‌فتاد و دوو دین بی‌ده‌لیل نیه‌ن.  
 ← زیگموند فروید<sup>۲</sup>: يك اختلال روانی و آشفتگی ذهنی زبان‌آور است. (هیگ، ۱۳۹۰)  
 ← شاهرزا کردی مهره‌مو: ناخ په‌ی سه‌رافی مه‌عنی شکاو بو  
 ← سه‌یید موحه‌ممه‌د مهره‌مو: په‌ی دین، نه‌دوینا و دو‌نت بی‌بیزار.  
 ← موحه‌ممه‌د قاسم مهره‌مو: په‌ری‌ئه‌ندیشه‌وه خاتر خه‌مینم  
 ← نوروز سورانی مهره‌مو: دیوانه‌ی دینم  
 ← رادولف اتو<sup>۳</sup>: عنصر اولی طبیعت روحی ماست که باید به‌طور خالص و پاک در بی‌همتایی‌اش شناخته‌شود و از طریق دیگر نمی‌توان آن را تبیین نمود. (Harmondsworth, 1950)  
 ← سو‌لتان مهره‌مو: رو‌ح دین زه‌ینه‌ی خو‌فو‌ئه‌ندیش راهوارمو‌وه راه‌په‌ری‌لانه‌وه‌جیش.  
 ← سوفی س‌ال‌ح وتی: هه‌ر وتگمه‌وه‌ه‌یژمی کاکه‌یی دینی پاک‌وه‌مه‌زن.  
 ← عه‌ینا خاتون مهره‌مو: واچدی‌لو‌تفتان تارو‌ح بریژو‌ تانه‌به‌های دینتان وره‌شو.  
 ← سو‌لتان مهره‌مو: نه‌بو‌شان په‌ی دین هه‌رچی زه‌ره‌ره.  
 ← رولند رابرتسون<sup>۴</sup>: عملی که به‌وسیله‌آگاهی از تمایز میان تجربی و فراتجربی شکل گرفته‌باشد. (ویلیم، ۱۳۷۷؛ همیلتون، ۱۳۷۷)  
 ← عه‌ینا خاتون مهره‌مو: جه‌لا‌وه‌دینتان زی‌ا‌وه‌نه‌زه‌رم.  
 ← رو‌حتاف مهره‌مو: دیده‌مان وه‌دین چلان‌ه.  
 ← گه‌ردوون مهره‌مو: جه‌لات دا‌وه‌دین دو‌ستان مه‌یگ‌وون ئیقرار‌ئه‌زل‌با‌وه‌ره‌وه‌شوون.  
 ← که‌شکول مهره‌مو: به‌یان بو‌دینت شهرته‌و رای مه‌خفی به‌یان بو‌دینت.  
 ← اریک فروم<sup>۵</sup>: نظامی از اندیشه‌وه‌عمل که میان گروهی مشترک باشد و فرد را در چارچوبی از هدایت و جهت‌داری و متعلق پرستش قرار دهد. (Frumm, 1950)

1- David Edwards

2 Sigmund Freud

3- Rudolph Otto

4- Roland Robertson

5- Erich Fromm

- ← شیخ نه میر مهره مو: یاران خدمه تتان بهر نه شو چه ویر نه فستان دهر گیر دینتان مو<sup>۱</sup> وه ده‌ستگیر.
- ← فهریاد مهره مو: هو<sup>۲</sup> وه دینتهن ره‌نگین دایراک هو<sup>۲</sup> وه دینتهن.
- ← قوشچی اوغلی بیورور: اوخویون دفتر دینی قلبیزدن چوقاردون کینی توتون شرط پیرلیگی داود نازداری چاقورون.
- ← عابه‌دین مهره مو: دینی یار راسته و پاکه بی عه‌یبه وه کی ته‌لی ته‌مووره.
- ۳۰- توماس لاکمن<sup>۱</sup>: گنجایش اندامگان انسان برای بالا بردن و تعالی بخشیدن به طبیعت زیستی خود از طریق ساختار واقعی و اخلاقاً الزام‌آور همه جهان‌های معنی‌دار مورد پذیرش. (Luckmann, 1967)
- ← روسته‌م باباجانی مهره مو: دوود عشق پو<sup>۳</sup>شان نه پام تا وه سهر ده‌یری دیدارم په‌ی دین دل‌بهر.
- ← پیر خلیل مووسلی مهره مو: حاسلمان که‌رد دین په‌ی باقی لیاقت سهر وه‌ستیم وه پا نازیز ئوستاد.
- ← ئسمره خاتون مهره مو: دانه‌ی زهرده کان زنور خهریدم وه دین زنور په‌رده دهریدم
- ← سهر حرس و جیف ته‌مه‌ع بریدم زه‌مینا به‌لخ له‌که سریدم.
- ۳۱- میلتون یینگر<sup>۲</sup>: مجموعه‌ای از باورها و رفتارهایی است که به‌وسیله آن گروهی از مردم با مشکلات نهایی زندگی دست و پنجه نرم می‌کنند. (Yinger, 1957 & 1970)
- ← سولتان مهره مو: بار کیشی دین بی<sup>۴</sup> وه کو زه‌مین.
- ← سولتان مهره مو: راگه‌ی دین یار وه دهرد مو<sup>۵</sup>یه‌رو.
- ← شیخ نه میر مهره مو: جو یار دین بهر یاری به جوره.
- ← عابه‌دین مهره مو: دینی کاکه‌یی پاکه و بی<sup>۶</sup> کینه و ده‌غل.
- ← پیر ناسر به‌ختیاری مهره مو: په‌ی دین چه سهر و مال گرد بیمان بیزار دینمان نه‌وره‌شت په‌ی عیشوه‌ی دینار.
- ۳۲- آنتونی والاس<sup>۳</sup>: مجموعه‌ای از شعایر و اسطوره‌های خردپذیر که نیروهای فراطبیعی را به‌منظور دست‌یابی یا بازداشتن تغییرات وضع انسان یا طبیعت بسیج می‌کند. (همیلتون، ۱۳۷۷)
- ← بابا حه‌یده‌ر مهره مو: سه‌ید موسته‌فان ستون دینم سه‌ید خوسروه‌ن شهر تو موینم.
- ← شیخ نه میر مهره مو: بنیامین مه‌یو<sup>۷</sup> مو<sup>۸</sup> وه جار دین.
- ← سه‌یید باوه‌یسی مهره مو: دین نه بنیامین ئیمان نه داوود سدرق نه پیر موسی<sup>۹</sup> مایه‌ش بی سبوود
- ← موحه‌ممه‌د قاسم مهره مو: ستوین ئائین دین یاران‌ه‌ن یه‌قین نه ره‌زبار خالسو مه‌وجود نه چوار ته‌ن ئی چوار ره‌مز بیبا فروود.
- ← موحه‌ممه‌د قاسم مهره مو: ستوین ئائین دین یاران‌ه‌ن هام شهرت ئیقرار چوار ته‌ن پاکه‌ن که‌ردش خه‌تم کول کردار دارانه‌ن مه‌لکه‌ن ژه‌ نویر سولتان سه‌هاکه‌ن.

1- Thomas Luckmann

2- Milton Yinger

3- Anthony Wallace

۳۳- میشل یورک<sup>۱</sup>: دین، اثبات مشترک هویت و رابطه‌ی میان جهان، انسان و فراطبیعت در قالب واژه‌هایی دارای معنای تکلیف، ارزش، قانون، توزیع و اعتبار است. (York, 2003)

- ← بنیامین مهره‌مو: پهری جهوز یاران ره‌واج داده‌ن دین.
- ← نوروز سورانی مهره‌مو: زوور ساره‌بان سککه‌ی دونادون
- ← سه‌لیم مهره‌مو: هه‌رکس نه یاران دین نوسه‌یره‌ن
- ← روحتاف مهره‌مو: به‌لی مه‌بو حقه‌ق پیم‌دهری ئینشا
- ← بی‌ته‌مه هه‌ستی ئی دینا و ده‌یره‌ن.
- ← هه‌فتادو دوو دین گیلیام شوون وه شوون.
- ← ها دیده‌م وه دین جه‌لای تو جو‌شا.

۳۴- امیل دور کیم<sup>۲</sup>: مذهب مشترکی از اعتقادات و اعمال مربوط به مقدسات و محرمات است. (مشکور، ۱۳۷۲)

- ← پیر قه‌مه‌ر مهره‌مو: چا دینه نامای لوای وهی دینه
- ← ناستا مهره‌مو: جه‌لآت دا وه دین دوستان دلخوا
- ← سوئلتان مهره‌مو: وه شهرم بگریدی دین پا حه‌یایی
- ← فوریاد مهره‌مو: عزیز وه کارت
- ← پیر شه‌رتمان پیر بنیامینه
- ← دایم چه جه‌مدا ماچان نامینه
- ← به‌یان وه نه‌زه‌ل باوهره ویگا.
- ← پهری حه‌یادار موهرم مجیایی.
- ← هه‌رکس وه‌ست دورو وه شهرع کارت
- ← هم‌مه‌گنو وه دویر چه‌ی وه‌ره‌و شارت.
- ← خالی موچه دین یاری کردارت

۳۵- مایک پترسون<sup>۳</sup>: مجموعه‌ای از عقاید، اعمال و انگیزه‌های شخصی و جمعی تشکیل شده است و بر محور مفهوم واقعیت نهایی شکل گرفته است. (پترسون و همکاران، ۱۳۹۰)

- ← فارغ کرمانشاهی مهره‌مو: دل‌ه هه‌ر وه شه‌وق سه‌قام سه‌لا
- ← سوئلتان مهره‌مو: په‌وکه مه‌که‌رو نه دین جیهاده
- ← دده یونس خرخالی مهره‌مو: شادبیمان وهی جه‌م دین حقه‌ق جه‌لال
- ← قلندر بیورور: قلندر مذهبینه یار ایماندیر
- ← ره‌دا بار دین دیدار مه‌ولا.
- ← هه‌فتا و دوو قه‌ولم په‌ی میرد نه‌هاده.
- ← حه‌لال‌هن دینو حقه‌ق راگه‌ی زولال.
- ← بو نه دین، نه ایماندژر، یاردان آیری؟

۳۶- علامه سید محمدحسین طباطبایی: مجموعه‌ای از اعتقادات و مقررات متناسب با آن‌ها که در مسیر زندگی مورد عمل قرار می‌گیرد. (طباطبایی، ۱۳۹۵)

- ← پیر حوسین نه‌سته‌نبولی مهره‌مو: ئیننه‌نا سوئلتان نامان وه جیهان
- ← سه‌یید میر نه‌حمده مهره‌مو: پیره و شه‌رتمانا چه گردین ئوسوول
- ← بابا حه‌یده‌ر مهره‌مو: کردارم قه‌بول ردام نمانا
- ← موحه‌مه‌د قاسم مهره‌مو: نایه و قونووت‌م پیر و ده‌لیله‌ن
- ← تا په‌ی ئی دینه بیه‌رو سامان.
- ← نازیز بی بنیام دین نیا قه‌بوول.
- ← نه‌گشت جامه حقه‌ق شوکرمانا
- ← شه‌رتم به‌رد وه سه‌ر نه‌ز پا نه‌رکانا.
- ← ره‌هنمای نه‌رکان دین و نائینه‌ن.

1- Michael York  
2- Emile Durkheim  
3- Mike Peterson

۳۷- آیت‌الله جوادی آملی: مجموعه‌ی عقاید، اخلاق، قوانین و مقرراتی است که برای اداره‌ی امور جامعه انسانی و پرورش انسان‌ها است. (جوادی آملی، ۱۳۹۱)

- ← سولتان مهره‌مو: یاران نه‌گیران دین وه بی‌عاری.
- ← سولتان مهره‌مو: عه‌بدین یه‌قینی
- ← سولتان مهره‌مو: ههر که به یاری بیوی یه‌قینی
- ← یار روچار مهره‌مو: نه‌وه‌ل ئاخ‌رمان په‌ی پیشو په‌سین
- ← یاران پاریزبان چه‌راگه‌ی خوددین
- ← یار روچار مهره‌مو: ههر که به یاری بیوی یه‌قینی
- ← یار روچار مهره‌مو: هیچ به‌رز نه‌ویژی حرف خوددینی
- ← یار روچار مهره‌مو: شه‌وق جیهانه‌ن په‌ی دنیا و دین
- ← یار روچار مهره‌مو: وه شو‌نو کلام بو‌وه‌ستن یه‌قین.

۳۸- سعدالدین تفتازانی: دین عبارت است از قوانین الهی که وضع شده اند تا صاحبان عقل را با اختیار خودشان به خیر بالذات نائل سازند. (حجازی السقا، ۱۹۸۸)

- ← پیر حه‌مزه مهره‌مو: په‌ری عه‌شق دین سه‌ر دایم په‌ی به‌قا.
- ← ته‌یموور مهره‌مو: ژه‌ دین حه‌یده‌ر شاد بوان ژه‌ نه‌و.
- ← سه‌لیم مهره‌مو: ههر که سه‌ نه‌ سه‌ردی ویش که‌رد وه بی‌عاری
- ← سه‌لیم مهره‌مو: مه‌ی نه‌له‌ستی ساقیش بنیامه‌ن
- ← سه‌لیم مهره‌مو: نه‌خه‌لات دین مه‌بو‌نیش بیزار.
- ← سه‌لیم مهره‌مو: ههر که نو‌شش که‌رد دینش وه کامه‌ن.

۳۹- آیت‌الله جعفر سبحانی: دین یک معرفت و نهضت همه‌جانبه به سوی تکامل است که چهار بُعد دارد: اصلاح فکر و عقیده، پرورش اصول عالی اخلاق انسانی، حسن روابط افراد اجتماع، حذف هر گونه تبعیض‌های ناروا. (قنبری، ۱۳۷۴)

- ← پیر ره‌حمان به‌مه‌ئی مهره‌مو: دنیا‌مان وه‌سته‌ن نه‌پشتو په‌سین
- ← پیر شالیار ئاورامی مهره‌مو: په‌ی دین ئافتاو گیان دایم نه‌و ژاری
- ← کاکای ندره‌ویس مهره‌مو: ژار نو‌ش نه‌لماس دین و ایمانم
- ← پیر تاهیر ئسفهانی مهره‌مو: شا مه‌دو مراد گرد وه دینه‌وه.
- ← گیانمان ته‌سلیم که‌رد نه‌ رای ره‌سم دین.
- ← سو‌جده‌مان نه‌که‌رد پا به‌د کرداری.
- ← دانه‌ی عه‌قیقی نه‌زه‌لی کانم.

۴۰- نگارنده: هرا‌نچه‌ که - در بعد مثبت، سازنده و تکاملی - معنا می‌بخشد.

← ...

همانطور که مشخص گردید، کلام‌های یاری تمام تعاریف ارائه داده شده در خصوص دین را پوشش داده و تبیین می‌کند؛ و بدین منوال، دیگر تعاریف دین را می‌توان مورد بررسی قرار داد.

### ۲-۳- دسته‌بندی تعریف دین

مفاهیم متنوعی، مورد نظر متکلمین این عرصه بوده است؛ بعضی از تعاریف و شاید بیشتر آنها دین را معادل خدا باوری دانسته‌اند در حالی که این صفت در دین بودایی وجود ندارد. بعضی لزوماً به شأن روانی دین یا شأن اجتماعی آن توجه کرده‌اند و برخی فواید و برخی زبان‌های آن را در زندگی انسان در نظر داشته‌اند. علی‌ای حال، تمامی تعاریفی که از «دین» شده است، به‌طور کلی، یا ایجابی (آن‌چه با دین ایجاد می‌شود) هستند یا سلبی (آن‌چه با دین سلب می‌شود). بدین جهت یا به ذات و حقیقت موضوع می‌پردازد یا به عوارض، لوازم و اشیاء مسبب اشاره دارد؛ یا به آنچه می‌دهد توجه دارد، یا آنچه می‌گیرد؛ یا به آنچه که هست (توصیفی و اثباتی) می‌نگرد یا به آنچه باید باشد (هنجاری و دستوری). بنابراین می‌توان تعاریف را به صورت زیر تقسیم‌بندی کرد:

۱- ذات‌گرایانه (حقیقت، ماهیت و هویت).

۲- غایت‌گرایانه (ارزش، غایت و کمال)،

۳- معرفت‌گرایانه (درک، شعور و مفهوم)،

۴- عقل‌گرایانه (عقل و دانش)،

۵- اخلاق‌گرایانه (اخلاق و رفتار)،

۶- عمل‌گرایانه (اقدام و عمل)،

۷- اراده‌گرایانه (توان و قدرت)،

۸- عاطفه‌گرایانه (روان و احساسات)،

همچنین این تعاریف با توجه به دامنه و گستره آن بالأخص در علوم جامعه‌شناسی (علل و آثار اجتماعی) و روان‌شناختی (روح، روان و احساسات)، در چهار دسته تعاریف اعم (مجموعه‌ای از ...)، اخص (مخصوص و مربوط به ...)، عام (مربوط به همه‌ی ...) و خاص (تنها مربوط به ...) می‌گنجند.

۱. نینیان اسمارت<sup>۱</sup> ابعاد دین را به شرح زیر طبقه‌بندی نموده است:

۲. بُعد آموزه‌ای، عقیدتی یا فلسفی (به اضافه امور مربوط به آخرت)<sup>۲</sup>

۳. بُعد اسطوره‌ای یا داستانی<sup>۳</sup>

۴. بُعد اخلاقی یا حقوقی (فقهی)<sup>۴</sup>

۵. بُعد شعایر یا عملی<sup>۵</sup>

۶. بُعد تجربی یا احساسی<sup>۶</sup>

۷. بُعد تشکیلاتی یا اجتماعی<sup>۷</sup>

۸. بُعد نمادهای مادی یا هنری<sup>۸</sup>

۹. بُعد سیاسی و اقتصادی<sup>۹</sup> (اسمارت، ۱۳۹۴)

## ۲-۴- جایگاه یاری در دسته‌بندی ادیان

با عنایت به آنچه که گفته شد، می‌توان نسبت به اثبات وجود و ماهیت موضوع پرداخت؛ اما همانگونه که پیش‌تر چند نمونه عنوان شد، یاری مشتمل بر تمامی ویژگی‌ها، شرایط و تعاریفی است که می‌توان از دین مطرح نمود؛ و صد البته از آن فراتر. بطورکلی هر آنچه را که بتوان برشمرد در یاری موجود است؛ اما فهم آن به سادگی میسر نیست؛ چراکه طریق آن غامض، مغلق و مکتوم است. لکن، تنها راه فهم و درک موضوع رجوع به کلام‌های یاری است. کلام‌های یاری، قالبی از نظم گفتمان‌های مونولوگی مشتمل بر دستورات، قواعد و ضوابط دینی هستند.

1- Ninian Smart

2- "Doctrinal or philosophical "including eschatological

3- Mythic or narrative

4- Ethical or legal

5- Ritual or practical

6- Experiential or emotional

7- Organizational or social

8- Material or artistic/symbolic

9- cf. Wallace Jr. 'W. J' Political and economic

”تلور حق و حقیقت در کلمه را «کلام» گویند، و چون یارسان به فلسفه‌ی وحدت‌الوجود قائل است در نتیجه گفته‌ی هر بزرگ مردی با هر دین و مذهب و نژادی که حق و حقیقت را در واژه انعکاس داده باشد را کلام حق می‌داند. قرآن را کلام حق می‌داند، انجیل و تورات را کلام معرفی می‌کند. سرانجام و گفته‌ی سایر بزرگان و اکابری که سرانجام را تشریح کرده‌اند را کلام می‌داند؛ و با این که هر سخن حقی را کلام می‌داند لکن در عین حال نسبت آن را هم نادیده نمی‌گیرد. در واقع انجیل کلام حق است، اما در ظرف زمان و مکان و متناسب با ظرف وجودی؛ گفته‌ی درویش نوزو، شیخ امیر را کلام می‌داند اما با لحاظ نسبیّت. در کل آنچه که برای یک یارسانی ملاک و محک است «سرانجام» می‌باشد که گفته‌ی اکمل حق و حقیقت می‌باشد و دستورات آن احکام لازم‌الاجرا در مناسبات اعتقادی ایشان است.“ (طاهری، ۱۳۹۶)

عدم آگاهی، شناخت، دسترسی، فهم و درک کلام‌های یاری برای عوام، بخصوص غیریارسانی موجب می‌شود تا برداشت‌های اشتباه و خارج از این تفکر و ایدئولوژی یاری مطرح شود.

شایان ذکر است، دین، عموماً مقوله‌ای در تبیین هستی‌شناسایی و خداآوری است. در این میان مهم‌ترین و برجسته‌ترین مقوله، «انسان» است. بنابراین، یکی از مهم‌ترین لوازم تعریف دین، شناخت انسان است. همانگونه که خودشناسی لازمه خداشناسی است. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «من عرف نفسه فقد عرف ربه». همچنین از مهمترین ابعاد انسانی، بُعد معنوی انسان در این مقوله برجسته‌تر است. به بیانی انسان معنوی، از لحاظ «وجود شناختی» معتقد است جهان بسیار فراخ‌تر از این جهان مادی است و علمی مکشوف کنونی تنها در شناخت بخشی از جهان ما را یاری می‌رسانند. از لحاظ «معرفت شناختی» معتقد به راز است و اینکه عالم سراسر راز و رمز است. «روان‌شناختی» معتقد است که حالت روحی و روانی فعلی مطلوب نیست و برای رسیدن به حالت مطلوب باید تلاش کرد. چه؟ چرا؟ چگونه؟ کی؟ کجا؟ اساسی‌ترین سؤالات بعد انسان معنوی است. فارغ از ایسم و مکتب، در پی آن است هرآنچه مثبت و مفید باشد را اخذ کند. دارای زندگی اصیل تابع فهم و تشخیص است. اینجایی و اکنونی بودن یکی دیگر از ویژگی‌های انسان معنوی است. هدفش، کسب رضایت باطن، آرامش و شادی است و نسبت به کلیت جهان رضایت دارد. رویدادها و پدیده‌ها را خیر محض می‌داند. در همین راستا، فویرباخ<sup>۱</sup> فیلسوف آلمانی معتقد است: انسان، خود را قربانی خدا می‌کند و انسان مذهبی لزوماً از فقر انسانی رنج می‌برد! برای رهایی از این فقر باید رابطه‌ی انسان با خدا را معکوس کرد. یعنی باید انسان را به خدا تبدیل کرد و رسیدن به این مقصود نیازمند رجوع به انسان است که از نظر فویرباخ عالی‌ترین ارزش است! خدا انسان است و در نتیجه انسان خدا است یا باید خدای انسان باشد. ساتر نیز در تعریف خود از دین به این موضوع اشاره دارد و عنوان می‌کند: دین، طرح انسان برای خدا شدن است.

با تمام این تفاسیر، اشرافی‌ترین تعریف و مفهوم انسان در ابعاد و جوانب گوناگون در تفکر یاری منعکس گردیده است و لذا برای تک تک این موارد می‌توان هزاران مثال و شاهد عرفانی و کلامی ارائه کرد؛ که در آن، دین در لوای معانی مختلف، در قالب چهار رکن اصلی و فراگیر «راستی، پاکی، نیستی و ردا»<sup>۲</sup> و فلسفه‌ی اشرافی «دونادون»<sup>۳</sup> بیان شده است؛ که مرید را تا مرتبه مراد و انسان را تا جایگشت خداوند پیش می‌برد. گستره‌ی این مفاهیم به وسعت تمامی هستی و واژگان است. با این وجود، متأسفانه برخی به واسطه محدودیت ظرف وجودیشان، و یا مصلحت... پذیرای این موضوع نیستند<sup>۴</sup>؛ و علیرغم جامعیت اصول و فلسفه‌ی یاری، چون قادر به درک و یافتن دلیل علمی و یا وحیانی نبوده‌اند و همچنین چون بر اساس مکشوفات ناچیز خود نمی‌توانند یاری را در تقسیم‌بندی‌های خود، از جمله دو دسته ادیان الهی و بشری و یا در تقسیم‌بندی دیگر از ادیان توحیدی و غیرتوحیدی و یا در دو دسته ادیان باستانی (زرزان،

1- Feuerbach

۲- «یاری چوار چپوهن وه جا باوهر / راستی و پاکی نیستی و ردا»

۳- تهیموور مهره‌مؤ: «تهیموور دینداری / دهور دؤای دؤن داوای دینداری»

۴- پیرموسی میفرماید: «خه‌لک نه‌ویی / هه‌نت گروهی خه‌لک نه‌ویی / مه‌یان مه‌نیشان هام ره‌نگ دینی / وه دین بنیام ماچان لادینی»؛ یعنی: همه‌ی مخلوقات (عوام) نمی‌توانند ببینند و بفهمند. این‌ها گروهی هستند که حقیقت را نمی‌بینند. اینان با اینکه خود را در میان افراد مذهبی و دینی جای می‌دهند و می‌خواهند دانا به مسایل دینی جلوه کنند؛ اما چون نمی‌توانند ببینند و بفهمند، می‌گویند دین یاری، دین نیست.

مهرپرستی، زرتشتی، مانوی، مزدک، مندایی، گنوسی، هندو... و ابراهیمی (یهودیت، مسیحیت و اسلام)، جای دهند، او را زیرمجموعه می‌خوانند. غافل از آنکه هر آنچه در حوزه نظام‌مندی کائاتی است در یاری گنجانده شده؛ و علم و منطق مشکوفه تنها درصد ناچیزی از فحوای درک اشراقی یاری است. بنابراین، در حالی که خود نیز به پارادوکس‌ها، چالش‌ها و تناقض‌هایی که نشانه‌ی عدم شناخت کامل دین و بالطبع تقسیم‌بندی ناصحیح خود از ادیان واقف‌اند (به عنوان نمونه: دین مسیحیت و یهودیت هر دو اعتقاد به تثلیث و الوهیت خداوند دارند. خداآوری در دین بودا جایگاهی ندارد. هر سه دین یهودیت، مسیحیت و اسلام: به خاتمیت خود معتقدند و ادیان بعدی را رد می‌کنند؛ موعود را از خود دانسته و تأییدیه دین خود مطرح می‌کنند؛ گواهی و مؤده دین خود را در نسخ و کتب گذشت با تعیین و تأویل اسامی نامأنوس می‌یابند؛ تعریف مشترکی در برخی از اصول دین ندارند.) لیکن سایر را قضاوت و برای آن‌ها حکم صادر می‌کنند.

مسلمانان بر مبنای برخی احادیث به ۱۲۴/۰۰۰ پیامبر عقیده دارند که نام حتی ۱۲۴ تن از آنان در دست نیست. تعداد ۳۱۳ نفر از ایشان کتاب داشته و ۵ تن از ایشان که پیامبران اولوالعزم نامیده می‌شوند، صاحب شریعت بوده دعوت جهانی داشته‌اند: نوح، ابراهیم، عیسی و محمد (ص). هیچ یک از این اعتقادات نزد اهل کتاب نیست (توفیقی، ۱۳۸۳). معه‌ذا عده‌ای دیگر از ناآگاهان نیز با جستجوی پیامبر و رد و نشان، فتوای اشتباهی مبنی بر دین نبودن یاری را می‌دهند. با این وجود، حتی ویژگی‌ها و مشخصه‌های جستجوی خود را هم به خاطر نمی‌آورند و یا شاید نمی‌خواهند. در همین رابطه، یونگ در کتاب روان‌شناسی و دین می‌گوید: «مذهب پروتستان، که ظاهراً خود را به کلی از قید سنت‌های مربوط به اصول دین و رسوم و آیین مدون آزاد کرده و به همین سبب نیز به بیش از چهارصد فرقه تجزیه شده است، مجبور است اصل مسیحیت خود را حفظ کند و نظریات خود را در قالب این اعتقاد بیان کند که خدا در شخص مسیح تجلی نموده و مسیح به خاطر بشریت رنج کشیده است. این قالب و محتوای آن به اندازه‌ای مشخص و متمایز هستند که نمی‌توان آن‌ها را با افکار یا احساسات بودایی یا اسلامی ترکیب کرد و نه می‌توان با استفاده از منابع مزبور آن‌ها را بسط داد. در عین حال، تردیدی نیست که نه تنها بودا یا محمد یا کنفوسیوس یا زرتشت، بلکه به همان درجه میترا (مهر) و آتیس و سیبله و مانی و هرمس و خدایان بسیاری از ادیان نامأنوس دیگر نیز مظهر پدیده‌های دینی هستند.» (یونگ، ۱۳۵۲) با این تفسیر چگونه می‌توان بدیهیات مظاهر یار را نادیده گرفت؟! تجلیات و اکتلهای همچون بهلول دانا، شاه‌خوشین لرستانی، باباسرهنگ دودانی، باباجلیل دودانی، باباناووس سرکتی و سلطان اسحاق برزنجه‌ای.

در رابطه با اعتبار کتب آسمانی ادیان، از آنجا که پیروان ادیان تعریف مشترکی برای کتب وحیانی، مقدس و آسمانی ندارند (به عنوان نمونه: یهودیان، آسمانی بودن انجیل و قرآن را منکرند؛ مسیحیان آسمانی بودن قرآن را، مسلمانان تورات و انجیل کنونی را)، لذا هر یک به مقتضای دین خود، به کتاب‌های مقدس خویش عقیده دارند. یارسان - ضمن پذیرش و احترام برای تمامی ادیان - از این قاعده مستثنی نیست. بنابراین «سرانجام» و کلام‌های یاری به اندازه‌ی دیگر کتب آسمانی دارای اعتبار و جایگاهی غیرقابل انکار و مستنداً غنی‌تر است.

شایان ذکر است «اگر چنانچه اهل حق [یارسان] علی یا مسیح یا محمد و یا نوح و موسی... را با شخصیت‌هایی که در دستگاه یاری ظهور کرده یکی می‌داند و برای آن‌ها نیز به همان اندازه احترام قائل است، دلیل بر فلسفه‌ی دونادون است نه این که اهل حق [یارسان] را یکی از فرق و شاخه‌های اسلام و یا هر بینشی دیگر بدانیم.» (طاهری، ۱۳۸۶)

## ۲-۵- دین یاری

پیش‌تر منطبق بودن تمام تعاریف مطروحه دین، بر یاری، عنوان گردید. در ادامه نیز به جهت فهم آسان‌تر، ملموس‌تر شدن و برای آنکه مشخصاً واژه‌ی دین را برای یاری بکار گیریم، به ۷۲ مورد (به نشانه‌ی کثرت) اشاره مستقیم به دین بودن این اعتقاد و بارو در کلام‌های یاری می‌پردازیم که شامل کلید واژه‌ی «دین یاری» یا «دین یار» هستند.

۱- نه حمده مهره‌مو: پهی دین یاریت چه‌مان وه راهان.

- ۲- شیخ جهمال کاژاوی مهره مو: سو سوئی دین یار زیمان مه کهر قات.
- ۳- باوه شه مس مهره مو: زیلمان وه دین یاریت رو شنکهر.
- ۴- سولتان مهره مو: ئیستا واده شهن باوهرمی وه جا
- ۵- بنیامین مهره مو: نهز وه دین یار
- ۶- به شارهت مهره مو: پافانیت رهشتو باقیت بساچی
- ۷- فوریاد مهره مو: ههرکس وهست دورو وه شهرع کارت
- ۸- سولتان مهره مو: چه نیعمهت دین یاری مه بو سیر.
- ۹- شریف ریجایی پیرانی مهره مو: دانم گهواهی
- نه ی پردیور دا دانم گهواهی  
 نای پردیور شر که رد وه مه عوائی  
 چه ی پردیور را یاریش وه جائی  
 غولآمان په ی ئی دینه بان وه پایی.  
 تو وه دین یاری دایه نت جه لات.  
 شاد بیمان وه دین یاران یاوهر.
- ۱۰- کاکا جهلیل به رزنجه ئی مهره مو: ئوسای یارسان په ی دونیا و مه مات
- ۱۱- پیر شه مس عهله مدار مهره مو: ئیگایش نه ی جه مدا دیم زاتو چه یدهر
- ۱۲- پیر زه مان پاوه بی مهره مو: شاد بیمان وه دین یار پاکتاوه.
- ۱۳- پیر ره زوان مهره مو: شاد بیمان وه دین یار چه فانی ره م.
- ۱۴- پیر ره حیم کووتی مهره مو: شاد بیمان وه دین یار حق نمود.
- ۱۵- پیر که یده رون زیبایی مهره مو: چه یای دین یار واجبه ن چه یا
- ۱۶- پیر سه لمان کافووری مهره مو: شاد بیمان وه دین یار جه م جووری.
- ۱۷- پیر ئیمام مهره مو: شاد بیمان وه یجه م دین یار په نا.
- ۱۸- بنیام مهره مو: تو دین یاریت په ی یار دای قهرار.
- ۱۹- قه له م مهره مو: جه لات دا وه دین یاران نوور شه م
- ۲۰- سولتان مهره مو: عهد و په یمانه باردی وه زوان
- ۲۱- شیخ صفی الدین اردبیلی می فرماید: به سلطانم خوانند جمله ی عالم و آدم  
 وه دین یاری قایم وه قیلهن.
- ۲۲- سولتان مهره مو: زیلشان وه دین یار بو گهر مو گری.
- ۲۳- سولتان مهره مو: ماچو دینی یار نار و نوورهنان
- ۲۴- سه یید موحه ممهد مهره مو: گره ی دهروونش چوین ته نوورهنان
- ۲۵- سه یید موحه ممهد مهره مو: وه دین یاریش سه ما و سوورهنان.
- ۲۶- عابه دین مهره مو: نای دین یاری تاشکارش که رده.
- ۲۷- عابه دین مهره مو: دیاره دینی یار پاکو بی لافه.
- ۲۸- نهر گره دهویژی: دینی یار ته مه لی خشتی قیامهت.  
 قه ول ههر قه ولکی دینی یاره.



- ۲۹- پیر موسی مهره مو: هەر کەس وە دین یار ماچۆ حەقانا  
 ۳۰- داود مهره مو: ئیقرارم وە دین رای شەرتە و یارم.  
 ۳۱- بنیامین مهره مو: ئیسە وە دین یار هەنم ئە یوہ للام.  
 ۳۲- پیر خالق مهره مو: رەواج دەر دین یاری پەرورەن.  
 ۳۳- پیر مامل مهره مو: چوی دین یاری ئیقرارش شەردەن.  
 ۳۴- پیر تاماز مهره مو: پە ی دین یاری نیهەنم خە یالا.  
 ۳۵- پیر موحەممەد مهره مو: چە وگا پادشام پە ی دین یاری.  
 ۳۶- پیر مەحمود مهره مو: نە رای دین یار داود چە وگانا.  
 ۳۷- پیر بابا غەیب هاواری مهره مو: هەفتاد و دوو دینش سازا دەر کاری  
 چە یگا دین یار کەردە پەر کاری  
 شەرتە و ساجنار ناورد وە باری  
 تا ژە پردیوہر زیبا وە یاری  
 شەرت دلێ دور، ناورد وە دیاری.
- ۳۸- پیر عەزیز هودانە یی مهره مو: راکە ی دین یار قایم بگێران.  
 ۳۹- پیر خالق ئەردەبیلی مهره مو: دین یاری راسەن بی شە ک و گومان.  
 ۴۰- شیخ ئەمیر مهره مو: سەککە ی موهر دین یار پە ی بو رەوا.  
 ۴۱- شیخ ئەمیر مهره مو: مەتای دین یار نیک مەتا بارەن.  
 ۴۲- شیخ ئەمیر مهره مو: مەتای دین یار کیاناش سوبەت.  
 ۴۳- شیخ ئەمیر مهره مو: راکە ی دین یار یە ک یە ک عە یان بو.  
 ۴۴- شیخ ئەمیر مهره مو: وە دین یاری پامەنە ئە وەر.  
 ۴۵- شیخ ئەمیر مهره مو: نە هەفتاد و دوو دین دینمان بەر کەردەن  
 ۴۶- شیخ ئەمیر مهره مو: شە کەر ریزان کەر نوختە ی دین یار.  
 ۴۷- شیخ ئەمیر مهره مو: راکە دین یار هەر داود تەنەن.  
 ۴۸- شیخ ئەمیر مهره مو: یاران یار نەوو  
 ۴۹- شیخ ئەمیر مهره مو: هەر کەس نە جو یای دین یار نەوو  
 نە روژ حساو نە شو مار نەوو.  
 نە روژ حساو نە شو مار نەوو  
 نە روژ حساو نە شو مار نەوو  
 نە روژ حساو نە شو مار نەوو.
- ۵۰- حەیات مهره مو: ز کوی خاران هەم جودا شدیم  
 ۵۱- نوروز سورانی مهره مو: ئالای بالادەست دین یارم دی.  
 ۵۲- نوروز سورانی مهره مو: ماچان ئە یوہ للام سەدق دین یار.  
 ۵۳- نوروز سورانی مهره مو: ناشکار مو نە شا پە ی دین یاری.  
 ۵۴- نوروز سورانی مهره مو: جە لای دین یار رەواج کەریمەن.  
 ۵۵- نوروز سورانی مهره مو: هو هو ی مە یدان دین یاری مەن.
- ۵۰- حەیات مهره مو: باز وە دین یار حەق گویا شدیم.

- ۵۶- نوروز سورانی مهره مو: دانای دین یار دیوانه‌ی دینم.
- ۵۷- نوروز سورانی مهره مو: دیوان دوو سهر دین یار می‌بینم.
- ۵۸- لاجین عه‌باسوند مهره مو: حه‌واله‌ی دوو سهر دین یاریه‌ن.
- ۵۹- که‌مهر به‌یامه‌یی مهره مو: دلّه نه سه‌ودای دین یار مه‌بو.
- ۶۰- ئیمام به‌یامه‌یی مهره مو: ده‌وران بی وه دین یاری یادگار.
- ۶۱- ئیمام به‌یامه‌یی مهره مو: ساقی جه‌م چل دین یاریمه‌ن.
- ۶۲- ئیمام به‌یامه‌یی مهره مو: نه‌وبه دار ده‌ور دین یاریمه‌ن.
- ۶۳- حه‌یدهر پایدار به‌یامه‌یی مهره مو: ره‌واج که‌رده‌ی دین یاران غه‌واس.
- ۶۴- حه‌یدهر پایدار به‌یامه‌یی مهره مو: پوشای ته‌خت دین یاری نه لاتهن.
- ۶۵- حه‌یدهر پایدار به‌یامه‌یی مهره مو: نیشته نه ته‌خت دین یار نه‌زل ره‌نگک.
- ۶۶- به‌یگمراد گه‌هواره‌یی مهره مو: یه‌کیه‌ک نه حساو دین یارته‌ن.
- ۶۷- فارغ کرمانشاهی مهره مو: فکر زکرشه‌ن په‌ی دین یاری.
- ۶۸- فارغ کرمانشاهی مهره مو: بو‌اچم ره‌مزی ژه دین یاری.
- ۶۹- فارغ کرمانشاهی مهره مو: دین یاریه‌ن وه‌قت سه‌مه‌ره‌ن.
- ۷۰- فارغ کرمانشاهی مهره مو: هه‌فتاد و دوو دین که‌رده‌ن وه یه‌ک دین دین هه‌ر یه‌ک دینه‌ن.

دین دین یاری دین هه‌ر یه‌ک دینه‌ن.

- ۷۱- یار نه‌حمه‌د مهره مو: ئیسرافیل وا له مه‌حشر نه‌دا له سوری ساز و ده‌نگک نه‌وه هه‌ر پیر داوده‌ه وا به‌ده‌س چه‌تر و به‌یره‌ق هه‌ر نه‌وه ره‌ه‌بری دین یاریه‌ه وا له سیروان هه‌ر نه‌وه ره‌ه‌بری دین یاریه‌ه وا له سیروان.
- ۷۲- قوشچی اوغلی بیورور: الهی سن یاری یارردان آیرما سن یاری دین‌دن ایمان‌دان آیرما.
- موارد مذکور مشخصاً به‌واسطه اشاره مستقیم به «دین یاری»، برای همگان قابل درک است. علاوه بر این، در کلامها به اشارات، القاب، نمادها و گونه‌های متفاوت دیگر «دین یاری» نیز اشاره شده است؛ همچون: دین حق، دین حقانی، دین کاکه‌یی، دین کاکه‌م، دین سلطان، دین اسحاق، دین خواجا، دین آقا، دین شاه، دین شاهو، دین مولا، دین دوستان، دین میردان، دین پردیور و... علاوه بر آن، به صورت غیرمستقیم نیز هزاران بار به دین، ایمان، باور و راه یاری اشاره شده است؛ اما به جهت آنکه شاید فهم و درک آن برای عوام و سیاست‌زدگانی که به دنبال منافع و مصلحت هستند میسر نگردد، و نیز برای آنکه سخن به درازا نکشد، از ارائه آن‌ها خودداری می‌کنیم.

سایر ادیان و اعتقادات هنوز هم برای فهم و درک ابتدای خلقت و پیدایش جهان و انسان، دچار پارادوکس هستند. با این حال، دو منظر علمی و دینی بر پایه‌ی اصالت ادراک و عقل، برجسته‌ترین ایدئولوژی‌های مطرح شده در این حوزه است؛ اما چون خود هنوز نتوانسته‌اند به یک جمع‌بندی و یک تئوری واحد قابل پذیرش برسند، و همچنین چون در بحث این مقاله نمی‌گنجد، لذا از مقایسه، بررسی و مطابقت این مبحث با دین یاری خودداری می‌کنیم. این موضوع در حالی است که، کلام‌های یاری به وضوح حقیقت موضوع را مشخص کرده و به تمام سوالات پاسخ می‌دهد.<sup>۱</sup>

۱- بررسی این موضوع را به خود علاقه‌مندان واگذار می‌کنیم (پیشنهادی برای تحقیقات آینده).

## ۲-۶- مبانی دین در یاری

”یارسانی قدمت خود را از ازل می‌داند و معتقد است که خداوند پس از تجلی و شکافته شدن در (بیگ بنگ) و سپس خلقت با یاران (فرشتگان) خود به جهت ایجاد عشق و یاری یآوری هم پیمان (بیابس) می‌شود و تمام علم کائنات را بر آنان مکشوف می‌گرداند. اما این حقایق پس از خلق انسان (بنا به مشیت) در پرده‌ی اسرار نهان می‌گردد تا در هر دوره‌ای از تاریخ برای انسان‌ها به صورت نسبی توسط راسلین و اولیاء آشکار می‌گشته، به این صورت که انسان در روند کلی زندگی و در طول زمان متکامل تر می‌شده و در هر موقعیت زمانی از حقایق نهفته در کائنات پرده بر می‌داشته است. این مهم تا به زمان پردیور یعنی ظهور سلطان اسحاق که جلوه‌ی اعظم و اکمل حقیقت است ادامه پیدا می‌کند، یعنی قرن هفتم که اوج شکوفایی عرفان نزد انسان است، و پذیرای شناخت حقایق قبل و بعد از خلقت“ (طاهری، ۱۳۸۶).

ازلیت، منبعیت و مستقل بودن، سه مبحث اساسی در شناخت دین یاری است. در این رابطه، به چند نمونه از کلام‌های یاری که بیانگر این مفاهیم می‌باشند، اشاره می‌کنیم:

∴ دین یاری، یک دین ازلی و ابدی است:

← سولتان مهره‌مو:	تویش چه نه‌زهل به‌ستت نائینه.
← نه‌حمه‌د مهره‌مو:	نا نه‌زهل سازات رای هوو وه مووه.
← ته‌یموور مهره‌مو:	میردان پاک دین نه‌زهل بتوین دیم.
← سه‌ید نه‌یاز مهره‌مو:	ز حاجت مهن و نه‌و نه‌مر مولام
← ناستا مهره‌مو:	جه‌لات دا وه دین دوستان دلخوا
← قازی مهره‌مو:	نه‌زهل وه که‌لام نویرمان وه‌شیاو.
← باوه شه‌مس مهره‌مو:	پیرو ده‌لیلست نه‌زهل نیسانی.
← تیمام به‌یامه‌یی مهره‌مو:	دینش به‌کیوه نه‌زهل بیسه دین.
← شیخ امیر مهره‌مو:	چه روژ نه‌زهل به‌یابه‌س کریا.
← شیخ امیر مهره‌مو:	میردان بیوشان قه‌وای کوهنه و نه‌و
← قوشچی اوغلی بیورور:	امیدیم غم خواریم یار دور ازلدن
← قوشچی اوغلی بیورور:	بیزاو زرده گل اوق روز ازلدنوق.
← قوشچی اوغلی بیورور:	ازلدن یار ایله وارم، بو میدانا بو میدانا
← قوشچی اوغلی بیورور:	ازلدن آخره گل‌دیم بو میدانا بو میدانا
← قول ولی بیورور:	یار حق‌دیر بیز ازلدن یارا اقراراخ یقین
← قول اوغلو بیورور:	اولدن آخره وارم ها وارم
← قنبر بیورور:	اولیم آخریم خاوندگاریم.

∴ دین یاری، منبع و سرچشمه تمام ادیان است:

← شیخ امیر مهره‌مو:	سه‌ر چشمه‌ی نه‌زهل سینه سافانیم.
← ته‌یموور مهره‌مو:	هه‌فتاد و دوو دین ره‌واج که‌ر منم.

← مه‌لا روکنه دین مه‌ره‌مو: ره‌واجش که‌ریم هر چی نه‌و واچو<sup>۵</sup> سهر چه‌شمه‌ی دینمان چاگا مه‌خیزو<sup>۶</sup>.

← پیر جه‌غفر کوردستانی مه‌ره‌مو: نائین حه‌قیقه‌ت بکه‌رو<sup>۷</sup> وه‌ دین.

← ئوجاق به‌یامه‌یی مه‌ره‌مو: ئامیزهن جام له‌له‌ی زه‌مینیم گره‌ی هه‌شت نو<sup>۸</sup> هه‌فتاد دوو دینیم.

← فارغ کرمانشاهی مه‌ره‌مو: هه‌فتاد و دوو دین که‌رده‌ن وه‌ یه‌ک دین دین هه‌ر یه‌ک دینه‌ن

دین دین یاری دین هه‌ر یه‌ک دینه‌ن.

← قوشچی اوغلی بیورور: بو بیر سلطان عالم دور آچوبدور دین اسلامی رحمت الله اوناو خودلار زمانه ده یاد ایلر.

← شه‌سوار اوغلی بیورور: عاشق‌لروخ جهانی دون به‌ دون سیرانده یوخ ذاتیمیز بیر سلسله دور ستاریلن بیله.

← قول اوغلو بیورور: باب شریعت، راه طریقت، نور حقیقت، ذات سلطانی.

← قول اوغلو بیورور: علی دن یتیمیش ایکی ارکانی اونا باخیب ایره‌ن بیلدی.

∴ دین یاری یک دین مستقل است؛

← خه‌لیفه ده‌میار مه‌ره‌مو: ئی ئاسیاو نییای نائه‌زه‌ل<sup>۹</sup> دیاره دوو هه‌م ورپیچات په‌رش شه‌نیاره.

← پیر بابا غه‌یب هاواری مه‌ره‌مو: نه‌ هیچ جامه‌یی<sup>۱۰</sup> ئی شه‌رته نه‌و جاری هه‌فتاد و دوو دینش سازا ده‌رکاری

شه‌رته و ساجنار ناورد وه‌ باری تاژه پردیوه‌ زییا وه‌ یاری

چه‌یگا دین یار که‌رده پر کاری شهرت دلی<sup>۱۱</sup> دور، ناورد وه‌ دیاری.

← شیخ امیر مه‌ره‌مو: نه‌ هه‌فتاد و دوو دین دینمان به‌ر که‌رده‌ن وه‌ دین یاری سه‌رمان سپه‌رده‌ن

هه‌ر که‌س نه‌ هه‌فتاد و دوو ویش به‌ر نه‌ که‌رد ژه‌ ئیمه‌ نییه‌ن ها چه‌ کو‌ی نامه‌رد.

← حسن بیورور: یتیمیش ایکی ملت وار دوجهاندا اوملتلردن سچیلن آشنانی بیل گل.

← قوشچی اوغلی بیورور: یتیمیش ایکی ملت لر بیزیمیلن اغیار دور اولور سه قوی اولار اولسون سن اوزون بیزه یاره ایله.

← شیخی جان بیورور: یار اودور یارین یولوندا نه‌ باشه‌ قالا نه‌ داخی جانا

یتیمیش ایکی دین ایچره دین بسلسن اولاریارلیق دگیلر بی بهانا.

همانگونه که عنوان گردید، این کلام‌ها تنها نمونه‌های از هزاران کلام موجود در دفاتر یاری است که در اینجا تنها به چند مورد مشخص و قابل درک (برای همگان) آن اشاره گردید.

### ۳- نتیجه‌گیری

در عصر جهانی شدن، پیام دین یاری یک پیام فراج جهانی است. لذا از هویت زدگی و از نام و ننگ‌ها فراتر رفته است. فاعلیت تفکر یاری مبتنی بر ظهور و تجلی است، و علت ظهور و تجلی نیز عشق می‌باشد. یارسان همه‌چیز را حق و حقیقت یار می‌داند. یاری چیزی جز تسلیم حقیقت شدن نیست. حقیقت در عین هویت، نمی‌تواند هویت بخش باشد، نمی‌تواند اختصاص به نژاد، قوم و مردم خاصی داشته باشد، بلکه برای هر حقیقت‌طلبی از هر نژاد و قومی دستیافتنی است. یاری، در تمام اعصار نسبت به تمام آموزه‌های مثبت و مفید ادیان حاضر و به گوش بوده است، فلذا هیچ حقیقتی را از ادیان دیگر نمی‌توان نام برد که از یاری بیرون باشد.

برخی اصطلاح «عصاره‌ی ادیان» را برای معرفی این دین بکار می‌برند. اما گاهاً برداشت‌های غلط حاصل شده است و به اشتباه یاری را یک آیین التقاطی می‌خوانند؛ فهم نادرست از منشأ این عصاره‌ی حقیقت، مسبب این اشتباه است. یعنی یاری را برگرفته یا گلچین شده [عصاره] از ادیان دیگر می‌دانند، حال آنکه در سایر ادیان به فراخور ظرف زمان، مکان و وجود، پاره‌ای از حقایق دین یاری (به عنوان حقیقت کامل و محض سیال در طول زمان) آشکار شده است. تا اینکه سرانجام جلوه کامل حقیقت، خود را می‌نماید و بانگ

یاری سر می‌دهد؛ حال آنکه از زمان ظهور اکمل وجود داشته و تا ابد هم وجود خواهد داشت. خاصه آنکه کلام‌ها ثابت کرده‌اند که تقدّم و یا تأخر در پیدایش یک دین، دلیل بر اولویت آن - چه از لحاظ ماهوی و چه از لحاظ تاریخی - نیست و هر کسی با هر شکل و شمایل و دینی که به ابرناسانی راه یافته را می‌توان یک یارسانی خواند (اما نمی‌توان گفت که یارسانی از اسلام، مسیحیت، زردشتی‌گری، مهرپرستی و... است). بنابراین دین یاری در عین استقلال کامل با تکثرگرایی تمام، یعنی با احترام و به رسمیت شناختن همه ادیان به عنوان یک تن واحد، همواره به سمت تعریف و همگرایی ادیان پیش رفته است.

براین اساس، دین یاری به عنوان یک دین کاملاً مستقل و جهان‌شمول، هر آنچه را در حوزه‌ی نظام‌مندی کائناتی مفهوم پیدا می‌کند، در خود گنجانده است؛ و علم و منطق مشکوفه تنها درصد ناچیزی از فحوای درک یاری است. بنابراین نباید دین یاری را در دسته‌بندی‌های شناخته شده کنونی از دین جای داد. نکته قابل ذکر آن که نفی دین بودن یاری، مانند نفی خداوند است چرا که بر اساس تفکر یاری، همه چیز از خداوند شروع شده و به خودش ختم می‌گردد و لذا دائماً در اذکار اصطلاح «اول و آخر یار» را می‌شنویم. لکن باید متذکر شد که یاری، تنها یک دین نیست؛ یعنی یاری همه چیز است. به عبارت دیگر، دین، آیین، مذهب، مکتب، عقیده، باور، تفکر، رسم، الگو، ارزش، تاریخ، فرهنگ، فلسفه و غیره را می‌توان یاری دانست. بدین مفهوم که یاری، حق و حقیقت کامل و محض سیال نظام‌مند ازلی و ابدی است.

#### ۴- منابع

- آذربایجانی، مسعود. (۱۳۸۷). روانشناسی دین از دیدگاه ویلیام جیمز، پژوهشگاه حوزه.
- اسکات، جولی؛ هال، آیرین. (۱۳۸۶). دین و جامعه‌شناسی، ترجمه افسانه نجاریان، نشر رسش، تهران.
- اسمارت، نینیان. (۱۳۹۴). تجربه دینی بشر، ترجمه مرتضی گودرزی، نشر سمت، تهران.
- الیاده، میرچا. (۱۳۹۷). فرهنگ و دین، ترجمه (زیر نظر) بهاء‌الدین خرمشاهی، انتشارات طرح نو، تهران.
- پترسون، مایکل و همکاران. (۱۳۹۰). عقل و اعتقاد دینی، ترجمه احمد نراقی و ابراهیم سلطانی، طرح نو، تهران.
- توفیقی، حسین. (۱۳۸۳). مقدمه‌ای بر مقایسه‌ی ادیان توحیدی، هفت آسمان، شماره ۲۲.
- جعفری، محمد تقی. (۱۳۷۸). فلسفه دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۱). انتظار بشر از دین، نشر اسراء، ص ۲۴.
- جیمز، ویلیام (۱۳۶۷)، دین و روان، ترجمه‌ی مهدی قائنی، انتشارات دارالذکر، قم،
- چهل امیران، ناهید. (۱۳۸۲). دفتر کلامات ترکی، —
- حجازی السقا، احمد. (۱۹۸۸). شرح العقائد النسقیه سعدالدین التفتازانی، مکتبه الکلیات الأزهریه، ج ۱.
- خاموشی، سید ایمان. (۱۳۸۴). دفتر کلام حضرت زنور قلندر، —
- خسروپناه، عبدالحسین؛ (۱۳۸۸)؛ مسائل جدید کلامی و فلسفه دین (۱)، انتشارات بین المللی المصطفی، قم.
- راسل، برتراند. (۱۳۵۱). تاریخ فلسفه غرب، ترجمه نجف دریا بندری، شرکت سهامی جیبی با همکاری مؤسسه‌ی انتشارات فرانکلین، جلد اول.
- رایت میلز، چارلز. (۱۳۷۹). مارکس و مارکسیسم، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، نشر خجسته، تهران.
- روحتافی، حسین. (۱۳۷۱). دفتر کلام شیخ امیر، —
- روحتافی، حسین. (۱۳۸۰). دفتر کلام تیمور بانیاران و تیمور ثانی، —
- طاهری، طیب. (۱۳۸۴). سرانجام، نشر انستیتو فرهنگی کرد، سلیمانیه.
- طاهری، طیب. (۱۳۸۶). تاریخ و فلسفه‌ی سرانجام، نشر مرکز تحقیق و نشر مکریانی، اربیل.
- طاهری، طیب. (۱۳۹۱). زبور حقیقت، نشر مرکز تحقیق و نشر مکریانی، اربیل.

- طاهری، طیب. (۱۳۹۶). بانگ سرحدان، نشر مرکز تحقیق و نشر مکرپانی، اربیل.
- طاهری، طیب. (۱۳۹۶). نگاهی به نسخ کلامی یارسان، فصلنامه کشکول، سال دوم، شماره ۳.
- طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۶۲). آموزش دین، انتشارات اسلامی، قم.
- طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۹۵). شیعه در اسلام، مؤسسه بوستان کتاب، قم.
- قبولی، محمد. (۱۳۹۲). دیوان کلام بیست و چهار گوینده حقیقت، —.
- قزوینه، ایاز؛ روحتافی، حسین. (۱۳۸۴). کلام حضرت آسید فرضی و یارانش، —.
- قنبری، اکبر. (۱۳۷۴). بستر تاریخی دفاع عقلانی از دین، فصلنامه نقد و نظر، شماره ۲.
- کانت، ایمانوئل. (۱۳۸۸). دین در محدوده عقل تنها، ترجمه منوچهر صانعی دره بیدی، نشر نقش و نگار، تهران.
- مشکور، محمد جواد. (۱۳۷۲). خلاصه ادیان، تهران، انتشارات شرق، چاپ پنجم.
- ویلم، ژان پل. (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی ادیان، ترجمه عبدالکریم گواهی، تبیان، تهران.
- همیلتون، ملکم. (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی دین، ترجمه محسن ثلاثی، نشر ثالث، تهران.
- هیک، جان. (۱۳۹۰). فلسفه دین، ترجمه بهرام راد، انتشارات الهدی.
- هیوم، دیوید. (۱۳۸۷). تاریخ طبیعی دین، ترجمه حمید عنایت، انتشارات خوارزمی.
- یونگ، کارل گوستاو. (۱۳۵۲). روان‌شناسی و دین، ترجمه فواد روحانی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- Bellah, R. N. (1969). Religious Evolution, in: R. Robertson (ed.), *Sociology of Religion*, Baltimore, P 263.
- Bosanquet, Bernard. (1920). *What Religion Is*, London: Macmillan.
- Carpenter, David. (1995). *Revelation, History, and the Dialogue of Religions: A Study of Bhartrhari and Bonaventure*. Maryknoll, N.Y: Orbis Books, xi.
- Edward, Pawl. (1967). *Encyclopedia of Philosophy*, New Youk, Vol 6.
- Edwards, David. (1969). *Religion and Change*, New York, Harper & Row.
- Fromm, Erich. (1950). *Psychoanalysis and Religion*, New Haven, p 29.
- Harmondsworth. (1950). *the Idea of the Holy*. Penguin Books, P 141.
- Luckmann, Thomas (1966), *the social Construction of Reality: A Treatise in the Sociology of Knowledge*, Garden City & New York, Doubleday.
- Luckmann, Thomas. (1967). *Invisible Religion, The problem of religion in modern society*, Macmillan.
- Mencken, H.L. (1946). *Treatise on the God s*, AlfredA. Knopf, New York, NY.
- Otto, Rudolf (1957), *The Idea of the Holy*, translated by gohn, w. Horvey, London
- Oxford English Dictionary
- Yinger, Milton. (1957). *Religion, Society and the Individual*, New York, p. 17
- Yinger, Milton. (1970). *the Scientific Study of Religion*, London.
- York, Michael (2003). *Pagan Theology: Paganism as a World Religion*. New York: New York University Press.